

راهکارهای مدیریتی امام علی(ع) در مبارزه با فساد اخلاقی در اقتصاد از منظر نهج البلاغه

سکینه شیخانی^۱

چکیده

مبارزه با فساد اقتصادی یکی از ارکان مهم حکومت علوی به شمار می‌رود که در سیره و سخنان امام علی (علیه السلام) به شکلی گسترده نمود یافته است. امام علی (علیه السلام) به عنوان نمونه‌ای کامل از یک حاکم اسلامی، مبارزه با فساد اقتصادی را در تمامی مراحل حکومت خود در قالب عدالت‌محوری، شفافیت، و ایجاد نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران اجرایی دنبال می‌کرد. از دیدگاه ایشان، فساد اقتصادی عامل اصلی فروپاشی حکومت‌ها و تضعیف اعتماد مردم به نظام سیاسی است و مبارزه با آن، نه فقط اقدامی اساسی برای حفظ ساختارهای اقتصادی، بلکه ضرورتی اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آید. امام علی (علیه السلام) در دوران خلافت خود، با بهره‌گیری از ارزش‌های اخلاقی و اصول دین اسلام، سیاست‌هایی را برای ریشه‌کن کردن فساد در جامعه اعمال کرد. این سیاست‌ها شامل: انتخاب کارگزاران شایسته و امانت‌دار، نظارت مستمر بر مسئولان، برخورد قاطع با متخلفان اقتصادی، اعلام شفافیت مالی و بازگرداندن اموال عمومی به بیت‌المال بود. سخنان و اقدامات ایشان نشان می‌دهد که از نظر امام علی (علیه السلام)، فساد اقتصادی نه تنها آسیبی برای منابع مالی جامعه بلکه تهدیدی برای امنیت اخلاقی، اجتماعی و سیاسی حکومت است. برخورد با ناعدالتی و سوءاستفاده از بیت‌المال، بارزترین نمود این مبارزه است که در نامه‌ها و خطبه‌های ایشان، همچون نامه به مالک اشتر و سخنرانی‌های مربوط به عقیل بن ابوطالب، مشاهده می‌شود. در این موارد، امام علی (علیه السلام) با جدیت تمام، هر نوع امتیازطلبی، رشوه‌خواری و سوءاستفاده از قدرت برای کسب منافع شخصی را محکوم می‌کند و بر ضرورت برخورد سخت با چنین رفتارهایی تأکید می‌نماید. این مقاله تلاش دارد با بررسی ابعاد نظری و عملی مبارزات امام علی (علیه السلام) با فساد اقتصادی، الگوهای رفتاری این شخصیت برجسته را در مدیریت جامعه اسلامی تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: فساد اقتصادی، مبارزه، حکومت علوی.

مقدمه

فساد اقتصادی یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکومتی در تاریخ بشر بوده، که جوامع مختلف از زمان‌های دور تا کنون با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. در حکومت علوی، امام علی علیه‌السلام که در شرایط بحرانی اجتماعی و اقتصادی به خلافت رسیدند، تلاش کردند با اجرای اصلاحات گسترده عدالت را محقق کنند. دوران ایشان یک نمونه کامل از حکمرانی بر اساس اخلاق و عدالت اسلامی محسوب می‌شود، که در آن عدالت و انصاف در توزیع منابع، پیگیری جدی فساد مالی، و تأکید بر فرهنگ‌سازی اساس کار بوده است. امام علی علیه‌السلام با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، نظارت دقیق بر کارگزاران، اجتناب از ثروت‌اندوزی، و اقتصاد سالم به مبارزه با فساد پرداختند و قواعدی بنیادین برای حکمرانی تدوین کردند که در نهج‌البلاغه به روشنی ثبت شده است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی، باهدف بررسی اقدامات و سیاست‌های علوی در زمینه مبارزه با فساد، به دنبال ارائه الگویی برای حکمرانی سالم و عدالت‌محور است.

الف: واژه‌شناسی

در زیر به بررسی مفهوم فساد و اقتصاد در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود.

۱- تعریف فساد

فساد در لغت از ریشه «فسد» گرفته شده و به معنای تباهی، نابودی، خرابی، انحراف از حالت مطلوب، و از بین رفتن درستی و سلامت است.^۱ این واژه در زبان عربی به حالتی اطلاق می‌شود که چیزی از حالت طبیعی و سالم خود خارج شود و به خرابی یا انحطاط برسد.^۲ در اصطلاح، فساد مفهوم گسترده‌تری دارد و به هرگونه اقدام یا عملی اشاره دارد که موجب تخریب، اختلال یا نابودی نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی شود. فساد در اصطلاح به انحراف از اصول و قوانین با هدف کسب منافع شخصی، گروهی یا ضربه زدن به عدالت و ارزش‌های جامعه اطلاق می‌گردد.^۳

فساد اقتصادی هرگونه سوءاستفاده از منابع مالی و دارایی عمومی به نفع شخصی یا گروهی، مانند رشوه، اختلاس، رانت‌خواری و احتکار می‌باشد.^۴

در قرآن، فساد معنای گسترده‌ای دارد و به مواردی چون انحراف از عدالت، ظلم به دیگران، خیانت در امانت، و تخریب محیط اجتماعی اشاره شده است. مثلاً:

۱- ابن منظور، لسان العرب، ص ۱۳۲

۲- راغب اصفهانی، مفردات قرآن، ص ۳۲۱

۳- محمودی گلپایگانی، فقه اقتصاد اسلامی، ص ۴۳

۴- همان

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»^۱

خداوند فساد را نمی‌پسندد و از کسانی که آن را در زمین گسترش می‌دهند، بیزار است. در نهج‌البلاغه نیز امام علی (علیه السلام) مکرراً به فساد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرده و آن را ریشه تباهی جامعه دانسته‌اند.

۲- اقتصاد

اقتصاد: میانه روی در هر کاری، رعایت اعتدال در دخل و خرج، میانه روی در هزینه‌ها، میان کاری، مجازاً صرفه جویی.^۲

در لغت به دو معنی است یکی از آن دو پسندیده است که حد وسط و میانه افراط و تفریط است مانند جود که حد وسط اسراف و بخل محسوب می‌شود یا شجاعت که حد وسط تهور و ترس است.^۳ «سفرا قاصدا» یعنی سفری متوسط یا- میانه ونه چندان دراز و گاهی به معنی قریب نیز تفسیر می‌شود و در اصطلاح اقتصاد حالت میانه و اعتدال بین زیاده روی و خست ورزی است.^۴

اقتصاد یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می‌کند و وسایلی که باید در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تأمین گردد، بحث می‌کند.^۵

در مکالمات روزمره، واژه «اقتصاد» به معنی اعتدال، میانه‌روی و تعادل در مسایل مالی و هزینه و دخل و خرج است، اما در اصطلاح، یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر، و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می‌کند، و وسایلی که باید در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تأمین گردد، بحث می‌کند.^۶

۱- بقره: ۲۰۵

۲- مصطفوی، التحقيق، ص ۲۱۱

۳- دهخدا، لغت نامه، ص ۳۲۱

۴- راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۰۴

۵- بابایی، اقتصاد و توسعه سالم در اسلام، ص ۱۷

۶- همان، ص ۱۸

۳- تعریف فساد اقتصادی

فساد اقتصادی به معنای سوءاستفاده از قدرت، موقعیت، منابع یا امکانات اقتصادی به منظور کسب منافع ناعادلانه، شخصی یا گروهی و در تضاد با قوانین، اخلاق و عدالت اجتماعی است. این فساد ضمن آسیب رساندن به فرآیندهای اقتصادی سالم، برابری و عدالت در دسترسی به منابع و فرصت‌ها را مختل می‌کند و باعث تضعیف رشد اقتصادی و بی‌اعتمادی اجتماعی می‌شود.^۱

ویژگی‌های فساد اقتصادی عبارتند از: سوءاستفاده از قدرت و اختیارات: مسئولان و افراد دارای موقعیت‌های اقتصادی و اداری برای منافع شخصی یا گروهی از جایگاه خود بهره‌برداری می‌کنند.

نقض قوانین و مقررات: انجام اقداماتی ناعادلانه که با قوانین حاکم (مانند قوانین مالیاتی، بانکی و اقتصادی) در تضاد است. منفعت‌طلبی فردی یا خاص: استفاده از منابع عمومی یا اموال دولتی برای تامین منافع محدود به گروه خاص، مانند اعضای خانواده یا هم‌حزبی‌ها.

فساد باعث متمرکز شدن ثروت در دست گروه کوچکی از افراد و ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه می‌شود. موجب کاهش اعتماد مردم به حکومت، نهادها و عدالت اجتماعی می‌شود. در آموزه‌های دینی، فساد اقتصادی یکی از آسیب‌های جدی جامعه معرفی شده است. مردود دانستن ربا، رشوه، دزدی از بیت‌المال و سوءاستفاده از قدرت، توصیه به عدالت اقتصادی و مبارزه با فساد، از اصولی است که اسلام به شدت بر آنها تأکید دارد. به‌ویژه در نهج‌البلاغه، امام علی (علیه السلام) بارها به مسئولان حکومتی درباره رانت‌خواری، احتکار و سوءاستفاده از اموال مردم هشدار داده‌اند.^۲

ب: مبارزه با فقر اقتصادی در حکومت علوی

یکی از مسائلی که فقر را پدیده‌ای ضد اسلامی معرفی می‌کند و ضرورت مبارزه با آن را از نظر اسلام روشن می‌سازد، تبیین کمیت و کیفیت سطح زندگی و لزوم تأمین مواد و مایحتاج زندگی همه‌ی مردم است. این موضوع مهم و حیاتی و اسلامی، در احادیث امام «علیه السلام» مطرح شده است.

امام در طرح مسائل گوناگون حیات و سعادت و رشد زندگی انسان، از سطح زندگی معقول و درستی سخن گفته‌اند که با شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی و تکامل فردی و اجتماعی انسان متناسب است. مجموعه این گفتار، روشن می‌سازد که امام «علیه السلام» درباره‌ی سطح زندگی و حد و مرز نیازهای آن چگونه می‌اندیشند، و چه کالاها و مواد و امکاناتی را برای زندگی انسان لازم می‌دانند. از این موضوع به دست می‌آید که فقر و تهیدستی و نبود سطح زندگی لازم، با اندیشه‌های امام به کلی ناسازگار است.^۳

۱ - حسینی شیرازی؛ اقتصاد اسلامی، ترجمه حسین شاهرودی، ص ۵۴

۲- همان

۳ - محمودی گلپایگانی، فقه اقتصاد اسلامی، ص ۳۳

بدون تردید راه مبارزه با این پدیده از بین بردن علل و انگیزه‌های آن است و با الهام از فرموده‌های امام علیه السلام می‌توان عوامل دیگری را بیان کرد که برای محو و نابودی فقر مؤثر است این عوامل را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: رهنمودهای اخلاقی و برنامه‌های اقتصادی.

۱- قناعت

قناعت یعنی به بیش از مقدار نیازش طمع نرزد پس اگر مقداری غذا نیازش را بر طرف می‌کند و می‌تواند آن را به دست آورد به همان بسنده کند و طمع ورزیدن به بیش از مقدار نیاز خود نوعی فقر است امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مجاوزتک ما یکفیک فقر لا منتهی له»^۱، از اندازه و مقدار نیاز گذشتن فقری بی پایان است»

۲- عفت و پاکدامنی

یعنی اینکه انسان آبرویش را با خواهش از مردم نریزد و گرنه به آن خو می‌گیرد و اینکار او را از حرکت به سوی بهتر شدن باز می‌دارد امیرالمؤمنین می‌فرماید: العفاف زینه الفقر؛^۲ پاکدامنی زیور بینوایی است و نیز در توصیف پارسایان می‌فرماید: و حاجتهم خفیفه و أنفسهم عفیفه؛^۳ و نیازهایشان اندک است و نفسهایشان به زیور عفت آراسته است عفت و پاکدامنی نمی‌گذارد که فقیر گناهی مرتکب شود و دست به سرقت بزند و بر اموال مردم دست ببرد.

امام علیه السلام فقیر را وا می‌دارد تا از تکرار خواهش و درخواست مکرر از مردم بپرهیزد چون با اینکار ممکن است از بخشش و فضل مردم محروم گردد و اگر روزی ثروتمند هم شود اینکار آثار روحی و اجتماعی بدی در او به جای خواهد گذاشت امام علیه السلام می‌فرماید: لا تألف المسأله فیألفک المنع؛^۴ با خواهش خو مگیر که محرومیت از بخشش با تو خو می‌گیرد.^۵

۳- سفارش به ثروتمندان

ثروتمندان کسانی اند که در آن سوی مشکل فقر هستند به همین سبب امیرالمؤمنین علی علیه السلام به آنان پند و اندرز می‌دهد به امید آنکه از بار فقر برادران نیازمند خود بکاهند از مهمترین سخنانی که امام

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۲۱۳

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۶۵

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴

۴ - نهج البلاغه، حکمت ۶۸۰

۵ - مکارم شیرازی، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، ص ۴۸

دستور داد هدیه را به بیت المال بازگردانند و او را برکنار کنند. ^۱ همچنین حضرت علی (علیه السلام) خطاب به رشوه خواران می فرمایند: «شما قید و بند اسلام را قطع، حدود آن را تعطیل و احکام آن را به دست نابودی سپرده‌اید. بدانید که خداوند مرا به نبرد با سرکشان، پیمان شکنان و کسانی که فساد را روی زمین به راه می‌اندازند، فرمان داده است. ^۲ از این رو آن امام همام (علیه السلام) رشوه خواری را در سلامت اقتصاد مضر دانسته‌اند.

۲-۴- پرهیز از رباخواری

خداوند عزوجل از ربا نهی کرد چون مایه ی تباهی اموال است، زیرا انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای درهم درهم است، و بهای درهم دیگر باطل (و بدون حق) است، پس خرید و فروش ربوی، در هر حال برای فروشنده و خریدار زیان و کمبود دارد؛ پس خداوند متعال ربا را ممنوع اعلام کرد، زیرا اموال تباهی می گردد. سرمایه دار با بکارگیری سرمایه بدون کار، و استفاده از بهره ی پول، ثروتها می اندوزد و گروه زیادی را تهیدست می سازد. دقیقاً می توان محاسبه کرد که در ارتباط با یک سرمایه دار رباخوار، چند صد نفر پس از چند سال زمینگیر و ساقط می شوند و سرمایه و ثروت ایشان به تدریج به جیب یک نفر سرازیر می گردد. در علل تحریم ربا، به ظلم نیز تکیه شده است. و این تعلیل و علت یابی که امام تبیین می کنند، آموزنده ی معیارهای کلی و قانونمندی است که در کل جریانهای اقتصادی راهگشا است. تکیه بر ظلم در تعلیل تحریم ربا، همان محور اصلی تعالیم الهی ادیان است، یعنی هر کار، رفتار، قانون، روش و برنامه ای که سرانجام در یک محاسبه دقیق به ظلم و ستم اجتماعی بینجامد، باطل و غیر اسلامی است. محور حق و مشروعیت، عدل و عدالت است. ^۳

ربا، مبادله جنسی به مثل همان جنس با مقدار زیادتر از همان جنس یا همراه با شیء یا ... دیگر است. این عمل ضمن اینکه حرام اندر حرام است؛ اقتصاد را مختل می کند و در بردارنده مفاسد زیادی است. لذا دین مقدس اسلام آن را منع و مذمت کرده است. چرا که ربا از جمله مفاسد اجتماعی است که مانع برقراری اقتصاد سالم می گردد. بر اساس اصل "الناس مسلطون علی اموالهم" افراد در جامعه اسلامی آزادند تا از مالی که بطور مشروع بدست آورده‌اند بهره داشته باشند و آنرا به دلخواه مصرف کنند. ولی بعضی مردم از اعتماد دیگران سوء استفاده می کنند و از طریق ربا خواری اموال آنان را به باطل می خورند. رباخوار بیماری است که در دام شیطان اسیر است و از راه حق بازمانده است. لیاکلون اموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل الله. ^۴

۱ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶

۲ - نهج البلاغه، ص ۲۹۹ و ۳۰۰

۳ - حکیمی، الحیاء، ص ۷۷

۴ - نسا: ۶۱

در آیاتی که در سوره بقره آمده، رباخواران، به یک بیمار روانی تشبیه شده اند که قادر بر حرکت نیست و نمی تواند بر روی پای خود به ایستد.

این معنی یا اشاره به وضع آنها در زندگی این جهان است و یا در رستاخیز که آن هم نتیجه و بازتاب اعمال این جهان محسوب می شود، و در هر حال نشان می دهد که آنها همچون کسانی هستند که هرگز نمی توانند تعادل خویش را حفظ کنند، حتماً باید همچون زالو خون دیگری را بمکند و از دسترنج دیگری دزدی کنند، و در نتیجه تعادل اقتصادی را با جنون ثروت بهم می زنند که نتیجه اش سرانجام دامن خود آنها را نیز خواهد گرفت و به دیار عدم خواهد فرستاد. و باز جالب اینکه در ذیل همان ایه خداوند مجازاتی برای آنها تعیین کرده که مخصوص کافران است می فرماید: «هر کس بعد از موعظه و اندرز الهی باز این عمل را تکرار کند از اصحاب دوزخ است و در آن جا جاودانه خواهد ماند!»^۱ و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون.^۱

حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: رسول خدا در مورد ربا پنج نفر را لعنت کرد: خورنده آن، خوراننده اش، دو شاهد آن و نیز نویسنده اش را. در بیان آثار بسیار منفی و سوء ربا، آمده است: وقتی خدا بخواهد، اهل قریه ای را هلاک گرداند، ربا در آن شایع می شود.^۲

۳- دوری از مدیریت غیرمتخصص و خائن

کسانی که از نظر فکر و فن اداره جامعه و تدبیر امور مالی و مدیریت اقتصادی و دیگر مسائل اجتماعی، تخصص های لازم را ندارند و از این نظر نابالغ و ناکارآمدند و اشغال پست های مربوط توسط آنان باعث عقب ماندگی، نابسامانی، فقر و محرومیت مردم می گردد؛ نباید به کار گمارده شوند. ^۳ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نگرانی خود را از روی کار آمدن مدیران ناشایست چنین بیان می فرماید: «وَلَكِنِّي أَسَى أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَفُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَعِبَادَهُ خَوْلًا وَالصَّالِحِينَ حَرْبًا»^۴؛ لیکن از این اندوهناکم که بی خردان و تبهکاران این امت، حکومت را به دست گیرند؛ آن گاه مال خدا را دست به دست کرده و بندگان او را به بردگی بکشند؛ با نیکوکاران در جنگ و با فاسقان همراه باشند. ایشان نتیجه بی تدبیری مدیران را این گونه بیان می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ!... لَاخَيْرَ فِي دُنْيَا لَاتَدْبِيرَ فِيهَا»^۵؛ ای مردم!... در دنیایی (زندگی، جامعه و مدیریتی) که تدبیری در آن نباشد، خیری نیست.

۱ - مکارم شیرازی، خطوط اقتصاد سالم، ص ۱۱۱

۲ - طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۰

۳ - حکیمی، زندگی و اقتصاد، ص ۱۳۹

۴ - نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۶۲

۵ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۷

بنابراین، داشتن مهارت و تخصص لازم در همه مسائل اجتماعی، به ویژه در امور اقتصادی و مسائل مالی، از یک سو، همواره ضروری است و از سوی دیگر، اگر مدیریت بخش‌های مهم جامعه به دست سفیهان سپرده شود، موجب عقب ماندگی، بینوایی و فساد اجتماعی می‌گردد.

بی انضباطی مالی و اقتصادی و فقدان عدالت اقتصادی در بیشتر جوامع ناشی از خیانت مدیران می‌باشد که به طبع آن موجب فزون خواهی و غوطه ور شدن آنان در ناز و نعمت خواهد شد. امیرمؤمنان (علیه السلام) کارگزاران خود را از اینکه دست به خیانت بیالایند، سخت پرهیز می‌دهد و می‌فرماید: «وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا، لَئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، لَأَشْدَنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظَّهْرِ، ضَنْبِلَ الْأَمْرِ، وَالسَّلَام»^۱؛ به خدا سوگند اگر به من گزارش شود که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی! والسلام. امام (علیه السلام) در کلام دیگری می‌فرماید: «الْعَدْرُ بِكُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَهُوَ بَذْوَى الْقَدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ أَقْبَحُ»^۲: خیانت از هر کس قبیح و از توانگران و صاحبان قدرت قبیح‌تر است.

در نتیجه چنان که از فرمایشات امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پیداست، خیانت حاکمان در حق مردم، از عوامل مؤثر در رکود و بلکه سقوط اقتصادی جامعه است. البته خیانت حاکمان در امور اقتصادی می‌تواند شامل انحصارطلبی، اختلاس، بی توجهی به مصالح عمومی و... باشد؛ اما به هر حال این مدیران و سران هر نظام سیاسی هستند که باید سیاست‌های اقتصادی آن نظام را در جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی شکل دهند، و هرگونه بی توجهی نسبت به سرنوشت مادی و معنوی جامعه، مصداق خیانت خواهد بود. بنابراین، نفوذ افراد خائن در پست‌های کلیدی و حیاتی جامعه، نتیجه‌اش ظلم و ستم، حصر ثروت و دارایی و رکود اقتصادی خواهد شد.^۳

۱ - نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۲۰

۲ - تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۲، ص ۱۰۹۳

۳ - مکارم شیرازی، ناصر، شرح نهج البلاغه، ص ۲۵۴

نتیجه گیری

در حکومت علوی، مبارزه با فساد اقتصادی بر اساس اصول اسلامی و دورنمای عدالت اجتماعی پایه‌ریزی شده بود. امام علی علیه‌السلام از طریق نظارت دقیق، مقابله با تخلفات اقتصادی، و تقویت فرهنگ انصاف و مسئولیت‌پذیری، به ایجاد محیطی سالم و عادلانه پرداختند. ایشان با تأکید بر شفافیت مالی و نظارت مستمر بر عملکرد مسئولان، توانستند اعتماد عمومی را افزایش داده و از گسترش فساد جلوگیری کنند. درس‌های حکومت علوی نشان می‌دهد که اصولی همچون شفافیت، گزارش‌دهی عمومی، و عدالت در توزیع منابع می‌تواند به عنوان راه‌گشا برای حل مشکلات اقتصادی فعلی مورد استفاده قرار گیرد. راهکارهای مدیریتی امام علی علیه‌السلام نه تنها پایه‌ای اخلاقی بلکه دستورالعمل‌هایی کاربردی برای مدیریت در کاهش فساد اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی داشته باشد.

حضرت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه، در تدوین شاخص‌ها و مختصات اقتصاد آرمانی، عوامل اخلاقی چون برقراری اصل مساوات در دادن عطایای بیت المال، مبارزه با تورم، کنترل گردش سرمایه در چرخه اقتصادی جامعه از طریق انفاق، صرفه جویی و اعتدال در مصرف، اهتمام به اجرای عدالت و اهتمام به فرهنگ کار و تلاش را از اصلی‌ترین شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی معرفی کرده‌اند و موانع تحقق آن را اشرافی‌گری، احتکار، اختلاس، اسراف‌گرایی، ربا و رباخواری، رشوه و رشوه‌خواری و انباشت ثروت‌های راکد معرفی کرده‌است که باید همگان از مسئولان تا افراد عادی جامعه اسلامی، در رفع موانع تحقق اقتصاد مقاومتی گام بردارند. از نظر ایشان، مؤلفه‌های اقتصادی را می‌توان تعدیل ثروت، رفع فقر، انفاق و قرض الحسنه، کسب و کار و بهره‌وری، تجارت سالم و حمایت از تولید و عدالت در اقتصاد بیان نمود که با اجرایی کردن اخلاقیات مانند از بین بردن آسیب ربا، احتکار، فقر، حرام‌خواری و گرانفروشی و با ایجاد امنیت اقتصادی و عدالت در اقتصاد و جلوگیری از مدیریت‌های خائن و ناکارآمد و فاسد، اخلاقیات را در اقتصاد مقاومتی اجرا نمود و موفق شد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۵. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۶. ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. بابایی، علی، اقتصاد و توسعه سالم در اسلام، اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۹.
۸. تسخیری، محمدعلی، درس‌هایی از اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۹. جعفری، محمدتقی، ترجمه و شرح و تفسیر نهج البلاغه، تهران، فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۰. حسینی شیرازی، محمد، اقتصاد اسلامی، ترجمه حسین شاهرودی. اَبی جا: بی نا، ۱۳۷۳.
۱۱. حکیمی، محمد، امام رضا (ع): زندگی و اقتصاد، مشهد: آستان قدس رضوی، انتشارات، ۱۳۸۱.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه ق
۱۵. صدر، محمدباقر، "اقتصاد ما"، ترجمه ع. اسپهبدی، جلد دوم، چاپ برهان، تهران، ۱۳۵۰.
۱۶. شفیعی مازندرانی. محمد، اقتصاد خانواده: اخلاق معیشتی در قرآن و سنت، قم: ۱۳۸۸.
۱۷. شیرازی، محمد، جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها، جنگ، ۱۳۷۶.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، خطوط اقتصاد اسلامی، ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۳۶۰.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۱۹ ق.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۲۳. محمودی گلپایگانی، سید محمد، فقه اقتصاد اسلامی، تهران، نشر گلستان کوثر، ۱۳۷۹.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه ش.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، شرح نهج البلاغه. تهران: دار الکتب الإسلامی. ۱۳۷۶.